

## هسته‌بستگی ادبیات ایران و ترک و نمونه از اشعار فارسی

هر ملتی از اذیت تاریخی و مختصات خود شخصیت ماخوذه را در صنعت خود منعکس می‌سازد. ادبیات کلاسیک ترک بطور عموم کلمات و ترکیبات هسته‌بندی ایران را بکار برده است لیکن این ادوات و اسباب را با نبوغ استعداد خود مزج کرده آنها را قیافه دیگری بخشیده است مناسبانه به نقطه‌های تاریک ادبیات ما تاکنون توجه شایسته‌ای نشده است. مثلاً فنولی غزلیاتی نوشته است که شرح یکی از آنها یک امر عرفانی را می‌خواهد بوجود آورد لیکن این اختصاص در دیوان فارسی او نیست فنولی با اینکه بزبان فارسی تسلط کاملی دارد در شعر فارسی از تجلیات نبوغ خویش نشانه‌ای نمیده‌د او را مانند مناسبت‌مطلب و وحشی بافقی شاعری درجه دوم و سوم می‌بینیم این بحث خیلی دراز است بکناریم. اینها نتایج ماخوذه‌ای است که بایک رشته رموز بکتاب تصوف و صنعت و با تعمق در آن پیدا می‌شود.

اکثر شعرای ترکی زبان با موفقیت تمام بزبان و ادبیات فارسی آشنائی دارند و همانطور که در بالا بعرض رسید این دو ادبیات تحت فشار تاریخی و جغرافیائی به‌همدیگر خیلی نزدیک و مشابه هستند یک شاعر مادرباره زبان فارسی این عقیده را اظهار می‌کند:

نوله مبل اتسه زبان عجمه	هر کیمین کیم اوله طبعنده سداد
برصفا بخشه نوادر بولسان	باغلامش اوئی عجم ده اسناد

بعد از انتشار اسلام زبان فارسی ادبی عالم اسلام گشته و دائره نفوذ و تاثیر خود را رفتارفته توسعه داده است. این نفوذ و تاثیر مدیون بشیوائی و شیرینی این زبان و به آثار سخنوران و متفکران بزرگ این سرزمین است. تمدن معنوی بشر در این سرزمین بدرجه کمال رسیده است و این سخنوران گران قدر از طرف خاندانهای بزرگ مانند ساهانیان - غزنویان - سلجوقیان و غیره بسزا مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته‌اند.

و در نتیجه رونق بازار شعر در سرزمین مشرق هیچگاه کساد نشده است.

ادبیات اسلامی ترك نخستین جهش خویش را در قرن یازدهم مسیحی کرده است و حال آنکه ادبیات ایران سدها پیش از آن به پیشرفتهای شایانی نائل شده. نخستین جهش از مکتب دینی و تصوفی شروع شد. در قرن چهاردهم نیروی خود را جمع آوری کرده و بعد از يك قرن جهش تکاملی خود را نموده است.

در دوره‌های اولیه ادبیات عرفانی ما بویژه سنائی و عطار نفوذ و تاثیر بسزائی داشته‌اند در قرن چهاردهم نسیم و احمدی دو قرن متعاقب نجاتی و احمد پاشا اشعار فارسی سروده‌اند که اینک غزلی از احمد پاشا برایتان میخوانم اولاً از کتاخانه پهلوی سپاسگزارم که اینجانب را لایق دانسته بدین کنگره علمی دعوت فرمودند، پیش از پنجاه سال است که با ادبیات ایران اشتغال دارم. و دوستدار ایران و ادبیات ایرانم. هنوز کودک هفت ساله بودم که پیش پدر بخواندن گلستان شروع کردم و تا امروز آثار ادبی و عرفانی سخنوران ایران را بکنار نگذاشتم این بزرگان در پرورش روحی و فکری من تاثیر عمیقی دارند همانطوریکه عرض کردم آثاریکه بزبان شیوای فارسی نوشته شده است بسیار خواندم لیکن در این کشور عزیز مدتی اقامت نمودم از این سبب متأسفانه از شیوه مصطلح امروزی فارسی بی اطلاع هستم امید است خطاهائی که از لحاظ تلفظ و سلیقه مرتکب میشوید مورد عفو قرار گرفته باشم یقین میدانم که پیش سخنوران و ادبای ایران از جنبه علمی این ادبیات سخنرانی کردن گستاخی بزرگی است. در سده اخیر دانشمندان بزرگ این سرزمین در وادی تاریخ و جغرافیا و ادبیات تحقیقات عمیق کرده آثار گرانبها بوجود آورده‌اند بسبب بی بضاعتی خود میبایست که این دعوت را اجابت نمی نمودم لیکن شور و شغفی که برای این کشور در ته دل دارم مرا اجازه نداد. آمدم بجز از دوستی چیزی نیاوردم خواستم که بکبار دیگر وطن دوم خود را زیارت کرده هوای این اقلیم شرو عرفان را تنفس کنم و با دانشمندان و استادان بزرگوار ایران فرصت ملاقات و شرف صحبت یابم. خواستم که از این خوان گسترده فرهنگ استفاده کنم.

خواستم که شاهد عظمت بنای این کاخ بلند دانش باشم که معماران این کاخ با صلاحیت کاملی که دارند با موفقیت بزرگ آنرا پیاپی خواهند رسانید. ضامن این موفقیت از طرف دیگر سرپرستی عالی شاهنشاه دانش دوست است که در بزرگداشت ایران سعی و اقدام بلیغ بجای میاورند.

خواستم چند نکته بسیار مهم را در اینجا یادآوری کنم.

ملت ایران و ملت ترك زاده يك خانواده‌اند. در حوزه تمدن اسلامی پرورش یافته‌اند همسایه‌اند از نظر تاریخی دو برادرند که یکی از دیگری بیشتر بحوزه این تمدن پانهاده است و در بزرگداشت این مدنیت دست بدست داده کوشش کرده‌اند. ادبیات ایران و ادبیات ترك دو برادر شبیه بهم است که هریکی مختصات جداگانه دارد. ادبیات کلاسیک ترك متجاوز از شش قرن عمر کرده و علی رغم اینهمه انقلابات گوناگون هنوز زنده بوده با افتخار تمام بجهان تمدن شایسته عرضه و تقدیم است.

بقیه دارد